

ثمرات پنجگانه فرزندآوری برای والدین [۱]

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی - روان شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده هایی که صاحب فرزندانند، بیش از خانواده های بدون فرزند از زندگی لذت می برند.

تشکیل خانواده و فرزندآوری، یکی از جنبه های مهم زندگی افراد به شمار می آید و به باور برخی از جامعه شناسان خانواده، فرزندآوری و فرزندداری در ایران و جهان آن قدر مهم است که قرن های طولانی، زنان با هویت فرزندداری در کنار خانه داری و شوهرداری، تعریف می شدند. زن خوب غذای بهتر می پخت، از همسر بهتر پذیرایی می کرد و بسیار فرزند می آورد [۲].

بنابراین، فرزند در خانواده ایرانی دارای اهمیت فوق العاده ای است و در نگاهی کلان، فرزند، به خصوص فرزندان ذکور، باعث زینت و آبروی خانواده، نماینده پدر و عصای دست او بوده است، و از یک سو موجب تشخص و هویت خانواده می شود و از دیگر سو، وجود فرزند یا فرزندان، زمینه ای برای تداوم زندگی مشترک زوجین و سپری ستبر در برابر فروپاشی خانواده به شمار می آید. از این رو، هنوز هم در خانواده های معاصر ایرانی، ناباروری و نداشتن فرزند، عامل طلاق و نوعی سرشکستگی و عیبی بزرگ در میان خویشاوندان محسوب می شود.

با این توصیف، به نظر می رسد توصیه به فرزندآوری و تبیین برکات آن در زندگی از نگاه اسلام، فرهنگ ایران و یافته های دانش تجربی، به نوعی اشاره به بخش مهمی از جنبه های کیفیت زندگی افراد در خانواده دارد. وجود فرزندان در خانواده بر ساحت های مختلف زندگی اثر می گذارد، از جمله مشکلات و ناهمواری ها، سلامت جسمی و شادکامی والدین، استحکام بنیان خانواده، ارتقای شخصیت انسانی و درجات معنوی پدر و مادر.

در ادامه به پنج مورد از این ثمرات و تأثیرگذاری ها اشاره می شود:

۱. فرزندان؛ عامل اقتدار و نیرومندی والدین

روایات اسلامی و سبک زندگی ایرانی نشان می دهد که فرزند، عامل اقتدار و بازوی توانای والدین در شرایط سخت زندگی است. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «... تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ...»؛ [۳] (از برکات ازدواج) اندوختن فرزند برای (رویارویی با) سختی های روزگار و پیامدهای زمانه است.»

در نقلی، روزی امام حسن عسکری (علیه السلام) - که به دستور معتمد عباسی (لعنت الله علیه) در زندان به سر می برد - به یکی از یاران خود در زندان فرمود: آیا فرزند داری؟ عرض کرد: خیر! امام درباره او دعا فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلَدًا يَكُونُ لَهُ عَضُدًا

فَنِعْمَ الْعَصْدُ الْوَلَدُ؛ خدایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد؛ چراکه فرزند چه خوب بازویی است «اسپس حضرت این شعر را خواندند:

مَنْ كَانَ ذَا عَصْدٍ يُدْرِكُ ظِلْمَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَصْدٌ [٤]

«هر کس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر ستمی بر او رود، فرزندش آن را می ستاند. ذلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد.»

امام زین العابدین(علیه السلام) نیز در این مورد فرمود:
«مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛ [٥]
از سعادت مرد این است که فرزندی داشته باشد تا در مشکلات به یاریش برخیزند.»

به این جهت قرآن کریم داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می داند و می فرماید:
ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ [٦]
سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان یاری می کنیم و از حیث نفرت، بیشتر (از آنها) قرار می دهیم.

بنابراین، یکی از پایه های اصلی قدرتمندی، تولید ثروت و پیشرفت هر خانواده و جامعه ای، جمعیت آن است. جمعیت اندک از در روابط خارجی، قدرت مانور در مقابل دشمنان را کاهش خواهد داد. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت ها و مستکبرین خواهد بود، لذا موفقیت در سطوح ملی و بین المللی و ایستادگی جوامع در برابر ظلم و تجاوز قدرت های استکباری، وابسته به گوهر ایمان و عمل جوانان فداکار است. از این رو، هر کشوری که از جوانان غیور و پُرانرژی برخوردار است، دشمنان را از حمله نظامی باز می دارد.

از طرف دیگر، جمعیت جوان، مؤمن، اهل کار و خلاق می تواند با نیروی فکری و قوت بدنی خود گام های مؤثری در رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه بردارد. به همین دلیل «اقتدار ملی» به عنوان سیاست راهبردی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب(حفظه الله)، به این شکل اعلام شده است که فرمود: «امروز سیاست جمهوری اسلامی، عبارت است از اینکه ملت ایران باید خود را قوی کند. اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، به او زور می گویند. اگر ملتی قوی نباشد، باج گیران عالم از او باج می گیرند. اگر بتوانند به او اهانت می کنند. اگر بتوانند، زیر پا او را لگد می کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می کند، زورگویی خواهد کرد.» [٧]

ایشان در جای دیگر «افزایش نسل جوان» را یکی از راه های ایجاد اقتدار دانسته و فرمود: «افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، در ایجاد اقتدار خیلی تأثیر دارد» [۸]. و «کشور بدون جمعیت جوان؛ یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق. بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید به طور جدی دنبال و پیگیری شود» [۹].

۲. سلامت و شادکامی والدین

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی - روان شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده هایی که صاحب فرزندانند، بیش از خانواده های بدون فرزند از زندگی لذت می برند و احساس خوشبختی بیشتری می کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «بریگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان، بین سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ نشان می دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی ها، دقت بیشتر در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می گردد [۱۰].

تحقیقات جدید نیز نشان می دهد که پدر و مادر شدن، آنها را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری های قلبی محافظت می کند. همچنین، این تحقیقات حاکی از آن است که بارداری زنان در عملکرد حافظه آنها اثر می گذارد و موجب می شود مغز آنها عملکرد بهتری داشته باشد [۱۱].

افزون بر این، یکی از عوامل ایجاد آرامش و افزایش شور و نشاط در زندگی، ورود فرزند به کانون خانواده است. اگرچه در آغاز جوانی، محرک انسان برای ازدواج، مسئله تمایلات نفسانی است؛ ولی آنگاه که از شدت این تمایلات کاسته می شود، مایه دلگرمی کانون خانواده، داشتن فرزند می باشد. به این دلیل در تعابیر دینی، فرزندان، نور چشم والدین به شمار آمده اند.

قرآن کریم آنجا که «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» (بندگان خاص خداوند) را معرفی می کند، یکی از خصوصیات آنها را این گونه بیان می کند:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ [۱۲] وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ [۱۳]

«و آنان کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی دیدگان (و نسل های صالح، پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان و رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشوا گردان!»

امام صادق (علیه السلام) نیز در سفارش به فردی که پس از سال ها ازدواج صاحب فرزند نشده بود، فرمود: زمانی که یکی از شما فرزنداندار شدنش دیر شود، بایند بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَحَسْبًا، فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي، بَلْ هَبْ لِي أُنثَى وَ عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُكْرًا وَ إِنَاثًا، أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ أَنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ أَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النِّعْمَةِ»؛ [۱۴]

خدایا! مرا تنها و وحشت زده نگذار تا سپاسگزاریم از تدبیرم کمتر شود؛ بلکه محل انس و جانشینی درست از پسران و دختران

رابه من ببخش که از وحشت به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم و به هنگام کامل شدن نعمت تو را سپاس گویم.»

در این دعا وجود فرزند، باعث آرامش و عاملی برای دوری از وحشت و تنهایی به شمار آمده است. به این دلیل، برخی از اندیشمندان در تبیین کارکرد فرزند در کانون خانواده معتقدند که: «زناشویی بدون فرزند، پژمردگی است و پس از آوردن فرزند، کانون زندگی به شکوفایی می رسد؛ بلکه پس از بچه دار شدن، زندگی دارای معنای حقیقی می شود و خانه به وسیله فرزند، پُر از خنده و نشاط می گردد» [۱۵].

پژوهشی که «برتراند راسل» انجام داده است، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می کند. گذراندن وقت با کودک و بازی با او یکی از بهترین لحظاتی است که می تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد [۱۶].

تحقیقات «فیلدمن» نیز درباره پدر و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاط حاصل از آن در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است [۱۷].

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می شود که پدر و مادر به سنین پیری می رسند و محیط خانه به آشیانه ای ساکت و بی فروغ تبدیل می شود و به دلیل نداشتن فرزند، مجبورند در خانه سالمندان یا گوشه خانه ای خاموش، عمر خود را در تنهایی و رنج سپری کنند.

۳. عامل امنیت و استحکام خانواده

یکی از مواردی که اهمیت و ارزش فرزند را نشان می دهد، امنیت زایی فرزندان در کانون خانواده و سطح جامعه است و فرزندآوری در تأمین نیروی امنیتی خانه و جامعه، نقش چشم گیری دارد؛ چراکه حفظ و حراست از خانه و کشور در برابر خطر تهاجم دشمنان و بدخواهان، توسط نیروهای جوان و نیرومند، امری بدیهی است. هنگامی که در خانه ای چند جوان برومند باشد، دزدان مال و ناموس، کمتر جرأت ورود به حریم آن خانه را خواهند داشت. افزون بر این، وجود فرزندان در خانه نیز موجب امنیت بنیان خانواده از فروپاشی است؛ چون وجود فرزند در کانون خانواده، مانع از بروز ناسازگاری ها و طلاق می گردد. هنگامی که زن و مرد دارای فرزند باشند، فرزندان، سپر حمایتی را در برابر طلاق برای آنها فراهم می کنند. این سپر حمایتی، موجب حفظ و تداوم زندگی زناشویی می گردد [۱۸].

مطالعات جامعه شناسی و علوم اجتماعی نیز نشان می دهد که: «طلاق میان افراد متأهل بدون فرزند، بیشتر از متأهلین دارای فرزند است» [۱۹]؛ یعنی فرزندان با حضور خود به عنوان سدّی محکم در مقابل سیل ویرانگر حوادث، از حریم کانون خانواده محافظت می کنند.

بر اساس تحقیقات و مطالعات، امروزه یکی از علت های طلاق زوجین، نداشتن فرزند است. فرزند، به ویژه فرزند خردسال، به منزله پیوند بین پدر و مادر است. از این رو، بی فرزندی باعث تزلزل خانواده می شود؛ چراکه زندگی کم کم عادی می گردد و مشکلات نمایان تر می شود و در نتیجه، علاقه همسران به زندگی مشترک کم خواهد شد؛ ولی با حضور فرزند در کانون خانواده، جاذبه ها و دل مشغولی های تازه ای را برای والدین به ارمغان می آورد که همین امر، در کنار مشاهده ناتوانایی های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت از سوی پدر و مادر، باعث می شود تمام نیرو و احساسات آنها در جهت حمایت از کودک متمرکز گردد.

بنابراین، فرزند در آموزه های دینی به «جگرگوشه والدین» [۲۰] و «گل خوشبوی بهشتی» [۲۱] یاد شده است که والدین حاضر نیستند به راحتی آن را از دست بدهند، لذا حضور فرزند در زندگی مشترک، نقش مثبتی در استحکام و تداوم حیات خانواده دارد.

۴. رشد شخصیت والدین

وجود تجربه فرزندآوری، مجموعه کاملی از ارزش ها را به ساختار شخصیت والدین اضافه می کند. مطالعات تجربی نشان می دهد که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می رسد [۲۲]؛ چراکه پذیرفتن این نقش، تعهد، فعالیت، مسئولیت و خلاقیت را در انسان به بار می نشاند.

در میان اندیشمندان غربی، «بیل مک کین»، نیز معتقد است: «ازدواج، داشتن فرزند زیاد و تشکیل خانواده های بزرگ، برای رشد والدین و ساخته شدن شخصیت فرزندان مفید است.» وی در این راستا می نویسد: «تنها ریشه عمومی رشد و پختگی انسان، در پرورش فرزندان قرار دارد. هرچه تعداد فرزندان بیشتر، کودکی کردن، کمتر؛ یعنی وقتی شما زندگی خود را صرف خوب شدن و رشد دیگران کنید، آدم دیگری خواهید بود؛ ولی با داشتن بچه های کم، رشد شما کند خواهد بود» [۲۳].

«جان برکمن» اخلاق شناس می گوید: «بهترین چیزی که مردان دارای خانواده بزرگ به دست می آورند، همین شخصیت ساخته شده آنهاست» [۲۴].

«جان رایان» دین شناس کاتولیک آمریکایی در نیمه اول قرن بیستم، نیز از زنان می خواست بچه های زیادی داشته باشند؛ چون اعتقاد داشت: اداره و رشد خانواده های بزرگ، انسان های آدم تری می سازد. وی بر ادعای خود این گونه استدلال می کرد که: «تأمین خانواده های بزرگ به انواعی از نظم نیاز دارد که حاصلش زندگی های موفق است.» رایان که خانواده ای یازده نفره داشت، بر این باور بود: «کارشناسانی که به کنترل موالید معتقدند، به نوع شخصیت هایی که لازم است درست بشود، تا جامعه به صورت متعادل رشد کند و به حیات خود ادامه دهد، فکر نکرده اند. نکته دیگر اینکه خانواده های کم جمعیت ممکن است ثروتمند شوند که ثروتمند شدن آنها از فقیر ماندنشان خطرناک تر است» [۲۵].

۵. سرمایه معنوی والدین

در متون اسلامی، از فرزند به عنوان وسیله آموزش پدر و مادر یاد شده است. از جمله، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به ام سلمه فرمود:

« إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا يَدْرِي أَحَدًا مَا هُوَ؟ لِعِظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعَدَلِ عَتِقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: اسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ؛ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ؛ [۲۶]

زن باردار مانند روزه دار شب بیدار و سربازی است که جان و مال را در راه پیشرفت اسلام نثار کند. چون کودک متولد شود، چندان اجر به مادر دهند که جز خدا کسی نداند و چون به او شیر دهد، برای هر مکیدن، ثواب آزاد کردن بنده ای از نسل اسماعیل دارد و چون دوران شیرخوارگی کودک پایان یابد، فرشته ای بزرگوار دست به پهلوئی مادر زند و گوید: عملت را از سر بگیر که تمام گناهان تو آمرزیده شد.»

امام علی (علیه السلام) نیز درباره بیماری فرزند می فرماید:

«إِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَوَالِدَيْهِ؛ [۲۷] بیماری فرزند، کفاره گناهان پدر و مادرش است.»

در جای دیگر نقل شده است که «حسن بصری» می گفت: «فرزند بد چیزی است؛ حیاتش رنج می دهد و مرگش استخوان می شکنند.» این سخن به سمع مبارک حضرت سجاد (علیه السلام) رسید، حضرت فرمود:

« كَذَبَ وَاللَّهِ! نَعَمَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ؛ إِنْ عَاشَ فِدْعَاءَ حَاضِرٍ، وَ إِنْ مَاتَ فَشَفِيعٌ سَابِقٌ؛ [۲۸]

به خدا دروغ گفته! فرزند، خوب چیزی است. اگر بماند، دعای نقد است و اگر بمیرد، شفاعت گری است که پیش از پدر رفته است.»

همچنین، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«الْوَلَدُ كَيْدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ صَارَ شَفِيعًا، وَ إِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لِلَّهِ لَهُ فَيَغْفِرُ لَهُ؛ [۲۹]

فرزند، [پاره] جگر مؤمن است. اگر زودتر از پدر بمیرد، شفیع پدر شود و اگر دیرتر بمیرد، برای پدر طلب آموزش کند و خدا او را (به واسطه دعای فرزند) بیامرزد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: جبرئیل (درباره ارزش فرزندان امت اسلام) در خطاب به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

وَأَلْفُ فَتَى:

«... إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبَكَوْهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى أَنْ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فَبَكَوْهُ اسْتَغْفَارَ لَوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِي عَلَى الْحَدِّ فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِوَالِدَيْهِ وَ مَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا؛ [۳۰]

هرگاه یکی از آنان گریه کند، گریه اش تا هفت سالگی «لا اله الا الله» است و وقتی از هفت سالگی گذشت، گریه اش تا بلوغ

آمزش خواهی برای والدین است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که انجام دهد، به نفع پدر و مادرش باشد و هر کار ناشایستی که انجام دهد، به زیان آنان (والدین) نخواهد بود.»

از روایات گفته شده معلوم می شود که فرزندان، سرمایه معنوی والدین در دنیا و آخرت به شمار می آیند؛ به گونه ای که وجود آنها باعث جلب آمزش و نزول رحمت الهی می گردد.

۱۱ علی ملکوتی نیا

۱۲ خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی، محمدمهدی لیبی، به نقل از باقر ساروخانی، نشر علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۰.

۱۳ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۷۰۰، ح ۹۶۲۰.

۱۴ بحار الأنوار، محمداقصر مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۷۵، ح ۴۸۲.

۱۵ وسائل الشیعة، شیخ حرز عاملی، تحقیق، تصحیح و نشر: مؤسسه آل البیت، ج ۲۱، ص ۳۵۶، ح ۲۷۲۸۶.

۱۶ اسراء / ۶.

۱۷ بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱ش.

۱۸ بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۱۳.

۱۹ بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در جمع مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۵.

۲۰ دانش خانواده و جمعیت، زهرا آیت الهی و همکاران، نشر معارف، ص ۱۸۵.

۲۱ همان، ص ۱۸۶.

۲۲ علامه طباطبایی به نقل از راغب اصفهانی در تفسیر آیه مذکور می نویسد: «به کسی که مایه شادی آدمی است، نور چشم و قره عین گفته می شود.» تفسیر المیزان، ترجمه سید محمداقصر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

۲۳ فرقان / ۷۴.

۱۴] الكافي، كلینی، طبع دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۳۴۶، ح ۱۰۴۴۵.

۱۵] تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، صص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۱۶] دانش خانواده و جمعیت، ص ۱۸۷.

۱۷] همان.

۱۸] برای آگاهی بیشتر مقاله: آسیب های اخلاقی کاهش جمعیت فرزندان، علی ملکوتی نیا، مبلغان، شماره ۱۸۱.

۱۹] زک: مقاله بازدارنده ها و تسهیل کننده های اقتصادی و اجتماعی طلاق، دکتر محمد قدسی، دکتر اسماعیل بلالی و دکتر سعید عیسی زاده، نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، پاییز ۱۳۹۰ش، شماره ۵۳.

۲۰] مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۲۱] همان، ص ۱۱۳.

۲۲] دانش خانواده و جمعیت، صص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۲۳] مقاله تأملی درباره خانواده تک فرزندی، بیل مک کین، ماهنامه سیاحت غرب، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۲۴] همان.

۲۵] همان.

۲۶] وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۵۱، ح ۲۷۵۵۷.

۲۷] همان، ص ۳۵۷، ح ۲۷۲۹۱.

۲۸] مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲، ح ۱۷۶۸۷.

۲۹] همان، ح ۱۷۶۸۸.

۳۰] الكافي، ج ۶، ص ۵۳، ح ۵.